

یکی از نشانه های اهل ایمان ،دعا کردن است .دوستان خدا هیچ وقت در درون خود احساس بی نیازی از خدای تعالی نمی کنند که این احساس ،ریشه کفر و طغیان است. موضوع ارتباط انسان با خدا به عنوان یک ضرورت قطعی ،می تواند زندگانی انسان را به یک سیره تمام عیار انسانی تبدیل کند . یکی از صورت های ارتباط انسان با خدا نیز دعاست؛ یعنی همان شکلی که در زمان احتیاج نفسانی انسان به وجود می آید و حتی یک «ا...» ارتباط قلبی بنده با پروردگار را دوباره متصل می کند.

در روایات مادی دعا کردن ،معزو اصل عبادت دانسته شده است و دریانی ،امام خمینی می فرماید: « بعضی از مشایخ ما می فرمودند قرآن ، قرآن نازل است؛ آمده است به طرف پایین و دعا از پایین به بالا می رود. این قرآن صاعد است.»

ایشان در جایی دیگر از «صحیفه سجادیه» ، به عنوان « قرآن صاعد» یاد می کند و می فرماید: «صحیفه کامله سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگ ترین مناجات عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است. آن ، کتابی است الهی که از سرچشمه نورا... نشئت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم الشان را به اصحاب خلوتگاه الهی می آموزد.»

اما بعضی افراد انتظار دارند که هر دعایی از آن ها مستجاب شود. مشکل اصلی در این ماجرا، زمانی است که بنده به درگاه خدای متعال دعا می کند اما مسئله او حل نمی شود و این چالش مستجاب نشدن دعا که حتی در عین باورمندی به خدا و استیصال از مشکل صورت می گیرد، دلایل متعدد دارد.

قطعا این طور است که دعا کردن نیز برای نزدیک شدن به هدف اجابت، آداب و شرایطی دارد. دعا در ابتدا باید براساس باورمندی قطعی و اعتقاد واقعی انسان به خدا باشد تا بنده، خدا را باور کند و حل مشکل خود را فقط درگرو اراده الهی بداند. یکی از دلایل مستجاب نشدن دعا نیز همین است که به موازات دعا، خیلی کارهای

دیگر هم می کنیم و العیاذیا... به نفرت دیگری هم دل خوش داریم. در روایات مامده است که تا از دیگران منقطع نشویم، دعای ما مستجاب نمی شود. انسان وقتی دلش ذوب در عشق خدا شد، کارهای بزرگی می کند. یکی از این مصادیق در ماجرای موسی ^(ع) متجلی شد؛ جایی که لشکر فرعون ، بنی اسرائیل را تا ساحل نیل دنبال کرد و زمانی رسید که قوم موسی ^(ع) به او گفتند «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»؛ یعنی کار ما ساخته است»، اما پیامبر خدا با آرامش پاسخ داد: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِين»؛ یعنی خدای من با من است و مرا هدایت می کند». همین اطمینان هم باعث شد حکم برسد که موسی ! عصایت را به نیل بز.

یکی دیگر از دلایل مستجاب نشدن دعا ، ارتباط ناقص انسان با خداست. در این باره حضرت امیرالمؤمنین ^(ع) می فرمایند: «إِنَّ كَرَّمَ ا... شِبْحَانَهُ لَا يَنْقُضُ حَكْمَتَهُ»؛ یعنی کرم خداوند، حکمت او را نقض نمی کند» و اگر چه کرامت الهی، زمینه ساز استجابت دعاست، حکمت خدا اقتضا می کند که دعای انسان گناهکار مستجاب نشود، مگر اینکه فرد توبه کند، توبه او مقبول واقع شود و به صراط مستقیم بازگردد.

در روایت آمده است فردی به امام صادق ^(ع) مراجعه کرد و از حضرت پرسید: «چرا برخی دعاها مستجاب نمی شود، درحالی که خدا در قرآن فرموده است «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ یعنی بخواهید مرا تا اجابت کنم شما را». حضرت به این آیه استناد کردند: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»؛ یعنی به عهدی که با من دارید، وفا کنید تا من نیز به عهدم با شما وفا کنم» و پاسخ داد که استجابت دعا، عهد پروردگار با بنده است اما مقدم بر آن، انسان باید عامل به عهد خود باشد.

وقتی از امام صادق ^(ع) درباره عهد انسان با خدا سؤال شد، حضرت پاسخ دادند که عهد انسان با خداوند، پیروی نکردن از شیطان است که با باورمندی به خدا و آلوده نشدن به گناه ، تجلی پیدا می کند. سند این عهد نیز در این آیه سوره یاسین آمده است که فرمود: «وَالْمُؤْمِنُونَ يَأْتِيهِمْ أَفْئِدَةٌ أَوْى قَدْ أَتَى الْحَظْطَ الْعَسِيفَ»؛ یعنی ای بنی آدم! آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرسید؟» این آیه اشاره می کند به عهد صادقی که وجود اقدس پروردگار از انسان گرفته است تا شیطان را بندگی نکند.

انسان دونوع ارتکاب گناه دارد؛ یکی همچون آن راننده ای است که ضمن انحراف از جاده به سراسیمگی سقوط می افتد و نه تنها ترمز نمی کند، بلکه با شتاب مضاعف در مسیر سقوط به پرتگاه، پیش می رود. نوع دوم گناه هم به مثابه آن راننده ای است که در جاده همواری حرکت می کند و شاید از روی غفلت به شانه چپ و راست جاده می لغزد اما به سرعت متوجه می شود و به راه بازمی گردد.

دعای گناهکار از نوع اول مستجاب نمی شود؛ زیرا او در عمق گودی یک چاه تاریک و دره سقوط به نام گناه افتاده است و نه اینکه فقط راه برگشت نباشد، بلکه خود انسان هم باز نمی گردد. پس «گناه نکردن» رابطه مستقیمی با «استجابت دعاها» دارد و فقط فردی که به عهد خودش با خداوند وفا و از گناهان دوری می کند، مشمول این عنایت ویژه الهی می شود.

برگرفته از خطبه های نماز جمعه مشهد

تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

راهکاری برای نمازهای قضا شده

در این ستون به پرسش های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می توانید پرسش های خود را به شماره پیامک ۷۲۸۹+۲۰۰۰ با ما در میان بگذارید.

- سؤال:** با عرض سلام و احترام. آیا این روایت صحیح است؟

امام علی^(ع) فرمودند: از رسول خدا^(ص) شنیدم هرکه نماز را از روی جهالت ترک کند و نداند چقدر باید قضا کند، شب دوشنبه پنجاه رکعت نماز بخواند و روز دوشنبه را روزه بگیرد و ظهر دوشنبه نیز پنجاه رکعت با حمد و سوره بخواند و بعد از پایان نماز، صد مرتبه استغفار کند. خداوند این عمل را مطابق با ۱۰۰ سال نماز قضا شده حساب می‌کند. ولی اگر بداند چقدر نماز قضا دارد، باید همه آن را به جا آورد.

- پاسخ اجمالی:**

کفعمی در کتاب المصباح به نقل از امام علی^(ع) آورده است: «اگر کسی برخی از نمازهایش را نخوانده باشد و مقدار آن را نداند و از اینکه نمازهایش فوت شده است، پشیمان است، شب دوشنبه پنجاه رکعت نماز بخواند و در رکعت دوم هر نماز سلام دهد. در هر رکعت، یک سوره حمد و یازده مرتبه سوره توحید بخواند. پس از اتمام نماز صد مرتبه استغفار کند و صد مرتبه تسبیح بگوید و صد مرتبه بر پیامبر^(ص) صلوات بفرستد. اگر چنین شخصی این نماز را انجام دهد، خدا به خاطر نمازهایی که از او فوت شده است و او توانایی قضا کردن آن ها را ندارد، از او بازخواست نخواهد کرد، هر چند به اندازه صد سال نمازش را نخوانده باشد.»^۱

این روایت در بحار الانوار به همراه سند ذکر شده است. اما علامه مجلسی توضیحاتی درباره آن داده است: علاوه بر اینکه سند این روایت ضعیف است، مخالف «روایت های دیگر»، «نظر بزرگان» و نیز «اجماع» است. از این رو با فرض پذیرش، باید گفت این روایت درباره نمازهای قضایی است که شخص به قضا شدن آن ها یقین ندارد؛ بدین معنا که ممکن است نمازهای زیادی از فردی قضا شده باشد که به مقداری از آن ها یقین داشته باشد و درباره باقی مانده تنها شک و گمان دارد. چنین شخصی باید آن مقدار را که یقین دارد، قضا کند و آن مقدار را که شک یا گمان دارد، لازم نیست قضا کند. ممکن است این دستورالعمل برای جبران آن نمازهایی باشد که درباره قضا شدن آن ها شک دارد. اما آن مقدار از نمازهایی را که اطمینان به قضا شدن آن ها دارد، باید قضا کند، حتی اگر مقدار آن ها زیاد باشد و نمی توان تا تکیه بر چنین روایتی، از قضا کردن نمازها امتناع ورزید.^۲

احتمال دیگری هم وجود دارد که اگر به دستورالعمل این روایت عمل شود، فردی که تصمیم قطعی به قضای نمازهایش گرفته و عملناز خواندن نمازهای قضا را آغاز کرده باشد، اما به دلایل قابل قبولی نتوانسته است تمام آن ها را تا زمان مرگش ادا کند، خداوند او را خواهد بخشید.

۱. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح، ص ۴۱۲، قم، دارالرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری.

۲. مجلسی، محمد باقر بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۸۴، بیروت دار احیاء التراث العربی چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری.

نگاهی به میراث معنوی حضرت زهرا^(ص)

فاطمه علیها السلام نسخه زنده قرآن بود

حمیده ذاکری می‌گوید در نزد خداوند چندین نام داشت که هر نام به شماری از اسرار شخصیت والایش اشاره می‌کرد. در زمان حیاتش، پدر و همسرش از او گفتند و پس از آن فرزندان‌ش یکی پس از دیگری به بیان ویژگی‌هایش پرداختند و بعد از آن‌ها، مفسران و پژوهشگران و عالمان بسیاری کوشیدند که از او بگویند، اما هیچ‌کدام نتوانستند حق مطلب را درباره فاطمه^(ص) ام اییها ادا کنند. امروز همه این گفته‌ها و شرح‌ها میراثی برای ماست؛ میراثی از زندگی پاره تن محمد مصطفی^(ص) که نسخه زنده قرآن بود و به همین دلیل، الگویی کامل برای ماست؛ الگویی که می‌توانیم در جنبه‌های مختلف زندگی مان از آن بهره بگیریم. فاطمه^(ص) نه فقط به این دلیل که دختر رسول خدا^(ص) یا همسر امیرالمؤمنین^(ع) و مادر سادات بود، بلکه از آن نظر که در عبودیت مثال زدنی است، برای ما که می‌خواهیم در مسیرندگی گام برداریم، الگویی بی‌مانند است. درباره سیر عبادی این بانوی بزرگوار روایت فرزندشان امام حسن مجتبی^(ع) را می‌آوریم که چنین می‌گوید: «در دنیا کسی عابد تر از حضرت فاطمه^(ص) نبود. آن قدر به عبادت می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد»(بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۱).

عاشق نمازی که تسبیح ساخت

فاطمه زهرا^(ص) همانند پیامبر^(ص) علاقه زیادی به عبادت داشتند و بخشی از اوقات خود را به نماز و مناجات می‌گذراندند. حضرت زهرا^(ص) دارای یک برنامه مشخص و معین برای عبادت و ارتباط با پروردگار بودند. نمازهای طولانی و رکوع و سجده فراوان، یکی از سیره‌های عبادی ایشان است. حضرت فاطمه^(ص) نمازهای ویژه‌ای می‌گزاردند که آن‌ها را از پیامبر^(ص) آموخته بودند و برخی از آن‌ها به نماز حضرت فاطمه^(ص) شهرت دارند. آن حضرت پس از پایان نماز، به رازونیا: دعا و تسبیحات در قالب تعقیبات نماز می‌پرداختند که بسیاری از آن‌ها در منابع روایی موجود است. تعقیبات نماز آن حضرت شامل یادآوری موضوعاتی همچون مرگ و سختی‌هایش، تنهایی و وحشت قبر و قیامت، درخواست لطف و آمرزش از خدا و نیز رازونیا: با پروردگار است. از آن میان تسبیح حضرت فاطمه^(ص) که از رسول اکرم^(ص) آموخته بودند، جایگاه ویژه‌ای دارد. برپایه برخی روایات، خواندن آن در مواقع فراوانی سفارش شده است. نقل شده است که حضرت فاطمه^(ص) بعد از آنکه دستور تسبیحات معروف را از رسول اکرم^(ص) دریافت کردند، در ابتدا، رشته‌ای از پشم تابیده آماده کردند و به عدد تسبیحات به آن گره زدند و با دست خویش آن را می‌چرخاندند و تکبیر و تسبیح و تحمید می‌گفتند تا اینکه عمویشان حمزه بن عبدالمطلب شهید شد. پس حضرت فاطمه^(ص) از تربت قبراو خاک برداشتند و تسبیچی ساختند و با آن تسبیح می‌گفتند و مردم نیز چنان کردند و چون حضرت سیدالشهدا^(ع) شهید شدند، مردم از تربت ایشان -که فضیلت بیشتری دارد- تسبیح ساختند و با آن به ذکر پرداختند.(المزار)،

هیچ چیز جز بندگی خدا نمی‌خواست

شاید شنیده باشید که حضرت زهرا^(ص) در خانه، محراب و محل مخصوصی برای عبادت داشتند. ایشان برای عبادت و نماز خواندن، آداب و تشریفاتی را رعایت می‌کردند، آن چنان که نقل شده است آن بانوی برگوار اسلام برای نماز، عطر مخصوص، لباس مخصوص و سجاده‌ای مخصوص داشتند. این‌ها نشان دهند توجه حضرت به نماز و گفت‌وگو با خداوند بود اما این، همه ویژگی نماز فاطمه زهرا^(ص) نبود. می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های مهم سیره عبادی حضرت زهرا^(ص)، شوق به عبادت و بندگی بود؛ چنان‌که روزی رسول خدا^(ص) به ایشان فرمودند: «دخترم! از خدا چیزی بخواه که جبرئیل از جانب خدا، وعده اجابت داده است. فاطمه^(ص) عرض کرد: حاجتی جز توفیق در بندگی خدا ندارم. آرزویم این است که به وجهه... نظاره کنم و ناظر جمال او باشم»[کافی، ج ۵۳۶]. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم نماز و عبادت حضرت فاطمه^(ص)، خوف و خشیت ایشان است. در این باره به دو روایت اشاره می‌کنیم. ابومحمد دلمی در «ارشادالقلوب» روایتی را در این باره نقل می‌کند و می‌گوید: «حضرت فاطمه^(ص) به هنگام نماز، نفسش به شماره می‌افتاد»[ارشادالقلوب، ج یک، ص ۱۵۰]. همچنین در روایت دیگری آمده است که خداوند به فرشتگانش می‌فرماید: «بنده من فاطمه را مشاهده کنید چگونه در برابر من ایستاده است که از خوف من بندهایش می‌لرزد و با قلب و روح خود به عبادت من می‌پردازد». (فاطمه الزهرا علیها السلام من المهدالی اللحد، ۱۷۳/).

مشتاق قرآن و روزه بود

اعمال عبادی حضرت زهرا^(ص) فقط به نماز خواندن و شب زنده‌داری خلاصه نمی‌شد. حضرت بسیار به تلاوت قرآن علاقه‌مند بودند، آن چنان که در روایتی از ایشان نقل شده است: «از دنیای شما سه چیز محبوب من است: تلاوت قرآن کریم، نگاه به چهره رسول خدا^(ص) و انفاق در راه خدا». زهرا^(ص) مرضیه^(ع) از هر فرصتی برای آموزش و تعلیم دین بهره می‌بردند. تسبیحات حضرت زهرا^(ص)، مصحف فاطمه و خطبه فدکیه، بخشی از میراث معنوی فاطمه^(ص) است؛ به‌طور مثال ایشان در خطبه فدکیه زمانی که برای احقاق حق خود رفته بودند، ابتدا به پند و اندرز مردمان پرداختند. با مرور این خطبه می‌توانیم به الگوی عبادی ایشان پی ببریم. حضرت در خطبه فدکیه، بسیاری از حقایق و معارف ناب الهی را تبیین می‌کنند و در بیان علت واجبات الهی، پیش از هر چیز، سراغ ایمان به خدا می‌روند و می‌فرمایند: «خداوند، ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، واجب کرد». ذکر کردن ایمان در صدر واجبات الهی به دلیل اهمیت آن است، زیرا تا ایمان به خدا نباشد، اعمال دیگر انسان نیز در درگاه خداوند پذیرفته نیست و او را به سعادت و نجات نمی‌رساند. بعد از ایمان به خداوند، حضرت صدیقه زهرا^(ص) به نماز می‌پردازند؛ زیرا نماز مهم‌ترین وظیفه عملی دین است؛ همچنان که ایمان، مهم‌ترین وظیفه اعتقادی دین است و برپایه روایات معتبر، نخستین عملی که در قیامت محاسبه می‌شود، نماز است. بانوی دو عالم درباره نماز می‌فرمایند: «خداوند، نماز را برای دور شدن شما از کبر، واجب کرد». ایشان پس از نماز به اهمیت زکات اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «و خداوند زکات را برای افزایش روزی واجب کرد». چهارمین فرضیه‌ای که حضرت زهرا^(ص) درباره‌اش سخن می‌گویند و هدف آن را بیان می‌کنند، روزه است. آن حضرت در این باره می‌فرمایند: «خداوند روزه را برای اثبات اخلاص، واجب کرد».

هم الگو و هم معلم دین بود

حضرت زهرا^(ص) هم الگوی عملی عبادت در خانواده و بین اطرافیان بودند و هم به‌عنوان یک معلم در بین مردم به ترویج و توضیح امور دینی می‌پرداختند. براساس روایات، این بانوی گرامی در امور دین، راهنمای مردم به خصوص زنان بودند. در روایتی از امام حسن عسکری^(ع) نقل شده است که «روزی زنی نزد حضرت فاطمه^(ص) آمد و گفت مادر من ناتوان است. برای انجام نمازش مسئله‌ای برایش پیش آمده و مرا فرستاده است تا پاسخ آن را از شما دریافت کنم. حضرت زهرا^(ص) پاسخش را داد. سپس آن زن، سؤال دیگری مطرح کرد و حضرت دوباره جواب او را داد. آن زن سؤالات دیگری را مطرح کرد تا آنکه به ده مرتبه رسید. در این هنگام آن زن خجالت زده شد و گفت شما را خسته و ناراحت کردم؛ بیش از این مزاحم شما نمی‌شوم و شما را خسته نمی‌کنم. فاطمه^(ص) پاسخ داد: هر سؤالی داری، بپرس. سپس افزود: به من بگو اگر شخصی اجیر شده باشد تا باری سنگین را به جایی ببرد و درازای آن مبلغ ۱۰۰ هزار دینار مزد بگیرد، آیا ناراحت می‌شود؟ آن زن در جواب حضرت گفت: خیر. بعد از آن فاطمه^(ص) فرمود: من برای هر سؤال که جوابش را بگویم، اجیر تو هشتم و مزه و پاداش آن نزد خداوند متعال به ارزشی بیش از آنچه در این جهان است، می‌باشد.»(علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ج ۲، ص ۳).

مهم‌ترین مصادیق سیره عبادی حضرت زهرا^(ص)

اگر بخواهیم به‌طور کلی مصادیق سیره عبادی حضرت فاطمه ^(ص) را مرور کنیم، می‌توانیم به نکات زیر اشاره کنیم:

اهمیت به اقامه نماز و به‌جا آوردن نمازهای طولانی

داشتن برنامه‌ای منظم برای انجام اعمال عبادی

ذکر تسبیح ایشان بعد از نماز

طلب استغفار و آموزش برای همسایگان

شب زنده‌داری و تهجد شبانه

قرائت قرآن کریم، به‌جا آوردن نماز شکر و روزه ندی

استفاده از لباس و عطر مخصوص برای عبادت

آموزش احکام نماز

پاسخ‌گویی به شبهات در حوزه عبادت

زیارت قبور شهدا

ادعیه روزانه‌ای که از ایشان به یادگار مانده است